

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - تابستان ۱۴۰۳ - شماره هفدهم - ص ۱۹۳-۲۱۱

راه‌های وصال به شهادت از نگاه قرآن

فرهاد عبدلی^۱

چکیده

شهادت والاترین و گرامی‌ترین مرگ هاست. موتی اختیاری که اجبار و اکراه در آن راهی ندارد مرگی که پس از نیل به آن تمامی گناهان از ذمه فرد پاک و بهشتی جاویدانی که در قرآن توصیف شده است برای شهید مهیا که روزی دهنده شهیدان نیز خداوند می‌باشد. مرگی محدود و ظاهری که آبستن یک حیات معقول و ابدی است. شهادت خیری است که بالاتر از آن نیکی و خیری نیست و با نگاهی به آثار شهادت در قرآن و روایت در می‌یابیم که فوز عظیمی که فریاد یا لیتنی اهل معرفت را به دنبال دارد شهادت است. با این اوصاف می‌گوئیم شهادت با همه سختی؛ راحت‌ترین و سریع‌ترین راه رسیدن به خداوند است. شهادت فانی شدن انسان برای رسیدن به سرچشمه نور و وصال به هستی مطلق است. شهید آگاهانه و بخاطر هدف مقدس و به تعبیر قرآن فی سبیل الله شهادت را انتخاب می‌کند. یعنی شهید در راهی کشته می‌شود که هر دو ارزش آگاهانه و فی سبیل الله را داراست. در اصطلاح قتیل فی سبیل الله شروطی مطرح است از جمله اینکه باید این مرگ با کشته شدن باشد، این کشته شدن آگاهانه باشد و این کشته شدن فی سبیل الله باشد. در قرآن کریم علاوه بر مشتقات قتل از واژه‌های قضی نحب و شهدا نیز استفاده شده است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، جستاری در راه‌های وصال به فوز عظیم شهادت از خلال بررسی آیات قرآن است.

واژگان کلیدی: شهید، راه‌های شهادت، شهادت در قرآن، اعمال شهیدان، رابطه ایمان و شهادت.

^۱ سطح ۲ حوزه (کارشناسی). farhad7645@gmail.com

مقدمه

پژوهش هایی که تا کنون پیرامون شهادت انجام شده است اغلب به بررسی مصداقی شهادت و بعضی از مصداقی تام و اکمل آن مانند معصومین و علما و مبارزین می پردازد. یا در پژوهش هایی دیگر پیرامون موضوعاتی چون بیان فرهنگ و آموزه های شهادت همچون زنده بودن ، رزق، آمرزش گناهان ، ضایع نشدن عمل ، مسرت و خوشحالی ، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید بحث و پژوهش شده است. در برخی از پژوهش ها نیز به بررسی موردی راه رسیدن به شهادت پرداخته شده است لکن استناد قرآنی برای این دعاوی مطرح نگردیده است و نمی توان آن را ا صلی خد شه ناپزیر و علمی دانست که با انجام آن پاداش شهادت بدست خواهد آمد و از این رو قابل استناد نمی باشند . در مواردی نیز با نگاه ادبی و عرفانی به توصیف این فوز عظیم پرداخته شده است اما به طور خاص در باره این که چطور می توان به این فوز عظیم رسید بحث علمی و مستندی انجام نپذیرفته است. صرفا نوشتاری کوتاهی با تتبع ناقص به چند مورد از روایاتی در باب فضیلت شهادت اشاره نموده است و استنادی قرآنی جهت این نیل ارائه نشده است و این همه رهنمود های قرآن کریم برای نیل به این فوز عظیم نیست. همانطور که اشاره شد شهادت بالاترین نیکی و گرامی ترین مرگ هاست و شهیدان به طور خاص و بی واسطه نزد پروردگار روزی می خورند و پر واضح است که پس از پاک شدن گناهان شهید منع و محدودیتی برای بهره مندی از نعمت های جاویدان بهشتی و از همه بالاتر مقام قرب و رضایت الهی متصور نیست. حال با واکاوی آیاتی در قرآن که تلویحا و تصریحا اعمالی که انسان را به این فوز ابدی و عظیم می رساند بر آنیم تا با بهره گیری از قرآن با راه هایی که ما را می تواند به این فیض اکبر برساند آشنا شویم .

معنای شهادت

کلمات شهادت و شهید از مشتقات ماده «ش.ه.د» هستند شهد در بابهای مختلف معانی متعددی دارد . علمای لغت در تعریف این واژه چنین می گویند: «ش.ه.د» ریشه ای است که بر حضور علم و خبر دادن دلالت دارد و تمامی مشتقات این ماده دارای ارتباط خاصی با سه اصل معنایی یا یکی از معانی یاد شده می باشند . شهاده همچنین به معنی اقرار حکم و علم هم می آید که همه از شعبه های حضور و دیدن هستند .

شهید بر وزن فعیل و صیغه مبالغه است و به معنای حاضر و کسی است که از امور اطلاع دارد و شهادت به معنای حضور است. همچنین از کلماتی همچون ناظر، آگاه، نمونه و الگو برای معنای شهید استفاده کرده اند.

برای شهید معانی اصطلاحی متعددی بیان گردیده است که از این قرارند:

شهید کسی است که در جنگ به دست کفار کشته شود شهید از اسمای حسنا ی الهی است و در اصطلاح رایج به کسی گفته می شود که در راه خدا کشته شود. و شهادت به مرگ سرخی تشبیه شده است که انسان آزاده با شناخت آن را انتخاب می کند و در راه عقاید و ایده ها و

مرامش فدایی می شود شهید به مسلمان طاهر و بالغی گفته می شود که در جنگ با ظلم به قتل رسیده است

شهید در اصطلاح کسی است که در رکاب پیامبر یا امام معصوم علیه السلام یا در جهاد جایی کشته شود

علامه طباطبایی ذیل آیات ۱۴۰ آل عمران ۶۹ نساء و ۶۹ زمر می نویسد: که منظور از شهید و شهدا در قرآن شاهدان اعمال است نه کشتگان در راه خدا و شهید به معنای کشته در راه خدا اصطلاحی است که در بین مسلمانان رایج شده است همچنین شهادت یک گواهی بر مبنای پیروی حق و به خاطر اظهار حق و زنده کردن حق است شهید و شهدا کسانی هستند که در راه خدا و برای رضای او و به منظور برقراری حق کشته شوند.

شهادت و شهید در قرآن

در قرآن مجید هر چیزی که به هدایت و سعادت ابدی انسان مربوط می شود تلویحا و تصریحا بیان شده است و چیزی در این رابطه فروگذار نمانده است و با تصفحی در قرآن با آیاتی که بیانگر اهمیت، فلسفه و هدف جهاد است رو برو می شویم لکن بحث در مورد آیات قرآنی که به مقوله شهید و شهادت پرداخته اند به صورت کلی امری سخت و صعب است. در برخی آیات، شهید به معنای گواه و نمونه و حجت و حاضر آمده است که در خصوص دایره معانی شهید و شهادت بیشتر بحث کردیم کرد ولی آنچه که هدف این مقاله می باشد، شهادت به معنای کشته شدن در راه آرمانهای دینی و شهید به مفهوم قتل فی سبیل الله است تا بتوانیم از منظر قرآن با رویکردهایی که ما را در وصال به فوز عظیم شهادت یاری می کنند آشنا شویم.

۱. ایمان به خدا مهم ترین راه وصال به شهادت از منظر قرآن کریم

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (بقره، ۱۵۴)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (آل عمران، ۱۷۰-۱۶۹)

...وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء، ۷۴)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه، ۱۱۱)

با نگاهی به آیات قبلی در می یابیم که خطاب آیات به مومنان است. پس درک مفهوم شهادت برای انسان مومن است نه عموم انسانها. ایمان به خدا از شروط و زمینه های اصلی دستیابی به شهادت است: قرآن کریم در چند مورد از ایمان و اعتقاد جادوگران فرعون به خداوند یاد می کند و همین مسئله را زمینه ساز شهادت آنان می داند. آیات ۱۲۰ تا ۱۲۶ سوره اعراف، ۷۰ الی ۷۲ سوره طه و ۴۶ الی ۵۰ سوره شعراء، بیانگر همین مطلب است:

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدًا قَالَوا أَمَّا بَرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى. طه/۷۰

پس همه ساحران به سجده افتاده و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم.
قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطِئَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ
خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَأَبْقَى. طه/۷۱
فرعون گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ معلوم است که او در
سحر معلم شما بوده، باری من شما را دست و پا بر خلاف یکدیگر می برم و بر تنه نخلهای خرما
به دار می آویزم و خواهید دانست که عذاب (من و موسی) کدام سخت تر و پاینده تر است.
قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا . طه ۷۲

ساحران به فرعون پاسخ دادند که ما تو را هرگز بر این معجزات آشکار که به ما آمده و بر خدایی
که ما را آفریده مقدم نخواهیم داشت، پس در حق ما هر چه توانی بکن که هر ظلمی کنی
همین حیات دو روزه دنیاست.

در آیات شریفه ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره مبارکه اعراف دلیل اصلی کشته شدن ساحران
ایمان آوردن به پروردگار جهانیان در قرآن کریم مطرح شده است که بعد از ایمان به پروردگار
موسی و هارون به مقام شهادت نائل آمدند. از این چهار آیه شریفه در می یابیم که ایمان به
پروردگار جهانیان در کنار شجاعت ابراز حقیقت، تولی و تبری و اظهار حق از زمینه های نیل
به فوز عظیم شهادت است که در قرآن مجید به آن تصریح شده است و به عنوان یک نمونه
عینی بیان شده است :

وَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ . اعراف/۱۲۰

و ساحران بی اختیار به سجده افتادند.

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ . اعراف/۱۲۱

گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ . اعراف/۱۲۵

(ساحران) گفتند: ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم!

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ . اعراف/۱۲۶
انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش ایمان آوردیم. بار الها! صبر و
استقامت بر ما فرو ریز و ما را مسلمان بمیران!

همچنین خداوند متعال در آیات ۲۰ الی ۲۶ سوره یس از شهادت حبیب نجار توسط کافران
پس از اظهار ایمان وی به خدای یکتا و دفاع از انبیای انطاکیه و تبلیغ دین خدا خبر می دهد و
در ادامه اظهار تأسف وی را پس از شهادت از آگاه نبودن قومش به جایگاه بهشتی وی و
آرزوی مبنی بر آگاه شدن قومش از شمول آمرزش و کرامت الهی نسبت به وی پس از
شهادت، به تصویر کشیده است. بسیاری از مفسران بیان می دارند که منظور از رَجُلٌ در آیه
شریفه حبیب نجار است که برای تبلیغ دین الهی و حمایت از پیامبران الهی به شهر انطاکیه
آمد و وقتی مردم قومش سخنانش را شنیدند، او را به طرز فجیعی به شهادت رساندند.

واژه‌های مؤمن، مؤمنون و مؤمنات و صفات و حالات مربوط به مؤمنان در بسیاری از آیات قرآن به گونه‌ای حاکی از آن به کار رفته است که مؤمنان گروه مخصوصی از انسان‌ها هستند و نحوه زندگی آنها از غیر مؤمنان کاملاً متمایز است. آنان با جهان بینی، افکار، حالات، آداب و عاداتی کاملاً متمایز از غیر مؤمنان زندگی می‌کنند. محور زندگی آنان را وفاداری به عهد بسته شده با خدا تشکیل می‌دهد در عین حال مؤمنان انسانهای بی‌نقص و عاری از خطا و گناه نیستند. در آیات متعددی از قرآن، خطاها و نقص‌ها و گناهان مؤمنان به آنها گوشزد شده و از آنان خواسته که خود را اصلاح کنند.

معنای لغوی ایمان

واژه ایمان از ریشه «أ-م-ن» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن آمن، یؤمن است، که اگر متعدی به «باء» و «لام» باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. و اگر متعدی به ذات خود باشد به معنای اطمینان پیدا کردن است که در برابر ترسیدن و هراسان کردن است و در این صورت با ثلاثی مجرد هم معنا است

..وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ. یوسف/۱۷
وَأَفْتَطَمُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ... بقره/۷۵

معنای اصطلاح فقهی - روایی ایمان

در روایات و آثار فقهی، ایمان به دو معنای عام و خاص به کار رفته است: معنای عام: عبارت است از اعتقاد قلبی به تمامی آنچه پیامبر خاتم آورده است. معنای خاص: از دیدگاه شیعه، معنای خاص آن علاوه بر معنای عام، اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده گانه را نیز شامل می‌شود. در این اصطلاح تمامی شیعیان معتقد دوازده امامی، مؤمن محسوب می‌شوند فقها از ایمان به معنای خاص در باب‌های بسیاری مانند اجتهاد و تقلید، طهارت، نماز، زکات، خمس، روزه، اعتکاف، حج، وقف، نذر، قضاء و شهادت بحث کرده‌اند. ایمان به معنای خاص یکی از واجبات، بلکه اصل و ستون آنهاست. شرط صحت و قبولی تمامی عبادت‌ها نیز ایمان است و درباره این مسئله ادعای اجماع شده است. ایمان در مرجع تقلید، امام جماعت، مستحق زکات و خمس، قاضی، شاهد و تقسیم کننده اموال که از جانب حاکم شرع نصب شده شرط است. بسیاری از فقیهان در مؤذن جماعت و نایب در حج نیز تصریح به شرط بودن ایمان کرده‌اند.

معنای لغوی مؤمن

مؤمن در لغت از ریشه «امن» به معنای تصدیق نمودن و اعتماد کردن، و آرامش قلب و خضوع و انقیاد است. پس واژه مؤمنین به معنای تصدیق کنندگان بکار می‌رود.

معنای اصطلاحی مؤمن

مؤمن در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که وجود خداوند را تصدیق نمایند و در برابر او تسلیم و خاضع و منقاد و مطیع باشند و رسالت همه انبیا الهی را تصدیق و محتوای پیام در رسالت آنها را قبول نمایند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ایمان، شناخت با دل و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن است.

لازم به ذکر است که ایمان با صرف شناخت و آگاهی حاصل نمی شود و علاوه بر شناخت و آگاهی، میل و اراده قلبی نیز از ملزومات به اصطلاح جوانجی ایمان است حضرت موسی علیه السلام به فرعون فرمود:

لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛

تو می دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده است!

هنگامی که حضرت موسی شهادت می دهد که فرعون می داند خدایی هست و آن معجزات را خدای آسمان و زمین نازل کرده است، دروغ نمی گوید و یقیناً فرعون به این امور آگاهی داشته است، اما فرعون می گفت:

مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي؛

من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم.

از آیات قبل در می یابیم که برای حصول و تحقق ایمان علاوه بر آگاهی باید انسان آن را با خواست قلبی نیز طلب و اراده کند.

از آنچه گذشت در می یابیم از منظر قرآن مهم ترین راه وصال به شهادت ایمان است و فرد مشتاق به شهادت باید جهت حصول ایمان علاوه بر آگاهی و شناخت، خواست و اراده قلبی نیز داشته باشد و خود را متصف به ایمان نماید. صفات مؤمنین و هم چنین باید ها و نباید هایی که شایسته مومنین است و هر کدام رویکردی برای وصال به شهادت است در قرآن بطور مفصل بیان شده است که با توجه به هدف اصلی نگارش این مقاله که کشف این اعمال و رویکرد هاست به اختصار به آن ها اشاره می کنیم.

۱-۱. خشوع در نماز

بدیهی است که ایمان اصلی ترین شرط قتیل فی سبیل الله برای وصال به شهادت است و از اصلی ترین مولفه های ایمان که از آن تحت عنوان عمود و علم دین یاد شده است، نماز است همچنین آنیکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

«مثل الصلاة مثل عمود الفسطاط، اذا ثبت العمود ثبتت الاطناب و الاوتاد و

الغشاء، و اذا انكسر العمود لم ينفع وتد و لا طناب و لاغشاء»

مثل نماز مانند مثل ستون خیمه است، هرگاه ستون ثابت باشد طنابها و میخها و پرده ها ثابت و سودمند خواهند بود و هرگاه ستون بکشند و در هم فرو ریزد، نه میخ نافع است و نه ریسمان سودی دارد و نه پرده ای اثری خواهد داشت. امیر المومنین صلوات الله علیه در نماز به شهادت رسیدند و سید الشهداء سلام الله علیه نیز در حین پیکار به اقامه نماز اول وقت اهتمام داشتند. اهمیت نماز تا آنجا است که نه امیر المومنین به خاطر شهادت مسجد و نماز را ترک گفتند و نه سید الشهداء به دلیل قتال فی سبیل الله از آن روی برتافت و حتی آن را به تاخیر نینداختند.

در قرآن کریم نیز خداوند متعال در سوره مومنون اولین شرط توصیفی ایمان را که اصلی ترین رویکرد وصال به شهادت است را خشوع در نماز بیان می‌دارند :

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. مومنون/۲

مؤمنین کسانی هستند که در نماز خویش خاشع و فروتن هستند و دیده بر سجده‌گاه خود دارند و به این سو و آن سو نمی‌نگرند و دلشان در گرو مهر و عشق به خداست.

۲-۱. دوری از گفتار و عملکرد بیهوده و کریمانه از لغو گذشتن

در قرآن کریم از سخت ترین صفات عملی مومنین پرهیز از لغو است و در تعریف لغو به این روایت امیر المومنین بسنده می‌کنیم که فرمودند:

«... وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ..»

هر سخنی که ذکری در آن نباشد لغو است.

با تاملی در این روایت نورانی در می‌یابیم پرهیز از لغو از اعمال سخت و رویکردهای دشوار مومنین جهت وصال به شهادت می‌باشد و وصف مؤمنین به اعراض از لغو کنایه از علو همت و کرامت نفس ایشان است.

بهشت وعده خداوند به شهیدان است که در وصف آن می‌فرماید:

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَعْوًا وَلَا كِدَابًا؛

در آنجا سخن لغو و دروغی نمی‌شنوند. (نبا: ۳۵)

در قرآن کریم خداوند صفت عملی دیگری از مومنان را به آنان گوشزد می‌کند و این درسی است تا انسان مشتاق شهادت جهت حصول و تثبیت ایمان که از مقدمات اصلی وصال به شهادت است با رویگردانی و کریمانه عبور کردن از لغو و دروغ از آن برخوردار شود :

وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. مومنون/۳

و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا. فرقان/۷۲

و چون با لغو مواجه شوند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

مردم با ایمان کسانی هستند که از هر گفتار و نوشتار و عملکرد بیهوده و بی‌ثمر و بی‌اهمیت روی می‌گردانند. چراکه به باور آنان چنین گفتار و کردار بیهوده و زشت و ناپسند است و باید از آن دوری جست.

۳-۱. پاکدامنی

وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ. مومنون/۵

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند.

مؤمنان کسانی هستند که دامن خویش را حفظ می‌کنند، در این آیه شریفه منظور از حفظ دامن خویش، این است که رابطه جنسی آنان تنها در قلمرو خانه و خانواده، و در چهارچوب مقررات شرعی و اخلاقی و انسانی است. و هرگز خود را با پستی و زشتی گناه آلوده نساخته، و دامان به حرام و گناه نمی‌آلایند، و چشم و دل و جسم را از حرام حفظ می‌کنند.

۴-۱. دوری از بدگمانی، غیبت، بدگوئی، تجسس

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا. حجرات/۱۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید دوری گزینید از بعضی گمان‌های (بد)، که آن گمانها گناه است، و تجسس در عیوب دیگران نکنید (از چیزهایی که از بدی ایشان بر شما پنهان است) و غیبت و بدگوئی از یگدیگر نکنید.

جستجو کردن در کار دیگران و تلاش برای افشاگری اسرار آنها گناه است، و پر واضح است که گناه و اصرار بر گناه انسان را از نیل به سعادت باز می‌دارد و این م‌ساله بدیهی است که فرد م‌صر بر گناه اگر توبه نکند با نقض ایمان که از اصلی‌ترین شروط قتیل فی سبیل الله است، قطعاً از وصال به شهادت نیز محروم می‌گردد. در این آیه شریفه قرآنی که در داخل و خارج آیه است نشان می‌دهد که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد است، و در زندگی اجتماعی تا آنجا که تأثیری در سرنوشت جامعه نداشته باشد نیز این حکم صادق است. بدیهی است بکار بردن عبارت *إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ* ناظر به آن است که در مواردی که م‌صلحت عمومی جامعه اسلامی ایجاب کند جمع‌آوری اطلاعات و کمک به حفظ و بقای کیان نظام اسلامی دارای اولویت است و گناهی در آن متصور نمی‌باشد که این بحث در روایات نیز منعکس شده است که اینجا محل بحث ما نیست.

۵-۱. مقام یقین

... و بالاخره هم یوقنون. بقره/۴

... و به رستاخیز یقین دارند.

مؤمن اعتقاد جازم نسبت به حدود دین الهی دارد، مثلاً ممکن نیست از سان اعتقاد قطعی بروز حساب داشته باشد، و همواره آن روز را در خاطر داشته و بیاد آن باشد در عین حال پاره‌ای گناهان را مرتکب شود چنین کسی نه تنها مرتکب گناه نمی‌شود بلکه از ترس به حدود نهی شده الهی نزدیک هم نمی‌گردد. ایمان به رستاخیز نیز صفت عملی دیگری از مومنین و رویکردی برای وصال به شهادت است که در این سلسله از صفات برای مومنین بیان شده است. آنها یقین دارند که انسان عبث و بی‌هدف آفریده نشده، آفرینش برای او خط سیری تعیین کرده است که با مرگ هرگز پایان نمی‌گیرد، او اعتراف دارد که عدالت مطلق پروردگار در انتظار همگان است و چنان نیست که اعمال ما در این جهان، بی‌حساب و پاداش باشد. این اعتقاد به او آرامش می‌بخشد، از فشارهایی که در طریق انجام م‌سئولیتها بر او وارد می‌شود نه تنها رنج نمی‌برد بلکه از آن استقبال می‌کند و مطمئن است کوچکترین عمل نیک و بد پاداش و کیفر دارد، بعد از مرگ به جهانی وسیعتر که خالی از هر گونه ظلم و ستم است انتقال می‌یابد و از رحمت وسیع و الطاف پروردگار بزرگ بهره‌مند می‌شود.

ایمان به رستاخیز تأثیر بسزایی در تشویق و ترغیب انسان‌های مشتاق به شهادت دارد. به آنها شهامت و شجاعت می‌بخشد زیرا بر اساس آن، اوج افتخار در زندگی این جهان یعنی شهادت در

راه یک هدف مقدس الهی است که آغازی است برای یک حیات ابدی و ایمان به قیامت انسان را در برابر گناه کنترل می‌کند، و به هر نسبت که ایمان قویتر باشد گناه کمتر است.

۶-۱. تواضع و فروتنی

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. فرقان/۶۳
و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند. در قرآن کریم صفت عملی دیگری که برای مومنین توصیف شده است تواضع و فروتنی برای خداست. آری شهادت صعود به مقام قرب لاهوت است و این تواضع و فروتنی مومنین است که این قرب صعودی را محقق می‌کند. از طرفی دیگر تکبر و غرور چونان غل و زنجیری است که انسان را از وصال به شهادت باز خواهد داشت. در اثبات این مهم به این روایت نورانی امام صادق علیه السلام بسنده می‌کنیم که می‌فرماید:

« إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ

وَضَعَاهُ.»

در آسمان دو فرشته بر بندگان گماشته شده‌اند پس هر کس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هر کس تکبر ورزد او را پست گردانند.

۷-۱. حلم و بردباری

وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. فرقان/۶۳

و زمانی که جاهلان، به آنان خطاب - جاهلانه - کنند با سلام و بیان خوش جواب دهند. در قرآن کریم در یازده مورد خداوند حلیم توصیف شده است و از همین روی می‌توان حلم را از جمله صفات کمالیه‌ی مطلقه خداوند به شمار علاوه بر آن در قرآن کریم این صفت از او صاف انبیاء و اولیاء الهی است. و کسانی که به طور کامل کما هو حقّه متصف به این صفت هستند، مظهر خدا می‌باشند که از فرط تقرب خداگونه و همرنگ انبیاء و اولیاء الهی شدند. در آیه شریفه ۶۳ از سوره مبارکه فرقان نیز خداوند در توصیف مومنین، پا سخ مواجهه توام با قصور و عناد جاهلان را، سلام قلمداد می‌کند. سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ضعف، نه سلام تحیت که نشانه محبت و پیوند دوستی است.

۸-۱. شب زنده داری

سومین ویژگی و صفت رفتاری مومنین جهت وصال به شهادت و تثبیت ایمان است شب زنده داری است. در ظلمت شب که چشم غافلان در خواب است و جایی برای تظاهر و ریا وجود ندارد خواب خوش را بر خود حرام کرده و به خوشتر از آن ذکر خدا و قیام و سجود در پیشگاه با عظمت اوست می‌پردازد، پاسی از شب را به مناجات با محبوب می‌گذرانند، و قلب و جان خود را با یاد و نام او روشن می‌کنند.

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا. فرقان/۶۴

و آنان که شب را برای پروردگارشان به روز می‌آورند در حالی که سجده کننده و قیام کننده هستند.

۹-۱. توحید خالصانه

ششمین ویژگی مومنین یا همان عباد الرحمن جهت حصول و تثبیت ایمان و وصال به شهادت از منظر قرآن توحید خالص است که آنها را از هر گونه شرک و دو گانه و یا چند گانه پرستی دور می‌سازد:

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا. فرقان / ۶۸

و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمی‌خوانند و نفس محترمی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نمی‌رسانند، و هرگز گرد عمل زنا نمی‌گردند، که هر که این عمل کند کیفر گناهش را خواهد دید.

۱۰-۱. تدبیر در آیات الهی

یازدهمین صفت عملی مومنان با رویکرد وصال شهادت و با عنایت به رابطه الزامی ایمان و شهادت که در قرآن کریم و در سوره مبارکه فرقان از آن سخن به میان آمده است، دا شتن چشم بینا، و گوش شنوا به هنگام بر خورد با آیات پروردگار است، خداوند در آیه شریفه ۷۳ سوره مبارکه فرقان می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا. فرقان / ۷۳

و کسانی هستند که چون به آیات پروردگار شان تذکر داده شوند همچون کرها و کورها بر آن آیات نمی‌افتند.

۱۱-۱. شهادت طلبی

همانطور که قبلا ذکر شد در قرآن کریم اصطلاح جهاد فی سبیل الله به جای قتال و حرب و نزاع و مخاصمه اصطلاح پرمعنایی برای مبارزات یک انسان با ایمان می باشد چرا که جهاد یعنی کوشش و تلاش و در اینجا با قید سبیل الله ماهیت جهاد مشخص می‌شود که فرق سایر جنگ‌ها با جهاد مسلمانان در این است که هدف از جهاد مسلمانان خداوند است و لاغیر ولی جنگ‌های دیگران براساس اهداف مادی و یا غیرمادی مثل میهن پرستی استوار می‌باشد و همین قید فی سبیل الله است که طلب، میل و ارائه را در انسان با ایمان جهت وصال به شهادت تقویت می کند تا آنجا که طلب شهادت در ذائقه مومنین راستین شیرین تر از عسل می گردد. مومنین حیات ابدی معقول را با ایمان به وعده حق خداوند در آیه ۱۵۴ سوره مبارکه بقره دریافتند و با میل، اراده و آگاهی توامان که همانا شهادت طلبی است در وصال این فوز عظیم کوشیدند و به سر منزل مقصود نیز رسیدند و خواهند رسید ان شاء الله.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ. بقره / ۱۵۴

و نگوئید درباره کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه زنده‌گانند اما شما نمی‌فهمید.

۱۲-۱. انتخاب دوست

از دیگر مولفه های اصلی انسان مومن جهت وصال به شهادت تولی و تبری است. جهاد قلبی و آگاهانه در راه خدا بر علیه طواغیت عالم همواره در قرآن و روایات مورد بحث و تبیین قرار گرفته است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام از حب و بغض (محبت و دشمنی) پرسیدم که آیا از [نشانه های] ایمان است فرمود: مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل شما بیاراست و کفر و نافرمانی و عصیان را ناپسند شما کرد. که آنان هدایت یافتگان می باشند.

در قرآن مجید نیز از الزامات صفتی و رفتاری مومنین عدم دوستی با کافران یا همان تبری عنوان شده است

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ. آل عمران/ ۲۸

نباید مؤمنان کافران را دوست خود گیرند، و هر کس چنین کرد چیزی پیش خدا ندارد، مگر آنکه از ایشان تقیه کند، یک تقیه مصلحتی و بظاهر، برای مدتی دوستی کنید و خداوند شما را از خود می ترساند، و به سوی خداوند است بازگشت.

۱۳-۱. امر به معروف و نهی از منکر راه وصال به شهادت

امر به معروف و نهی از منکر یا همان جلب رضای الهی یکی دیگر از عوامل اصلی نیل به شهادت است که در قرآن و روایات به آن تصریح شده است :

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ . بقره/ ۲۰۷

مرحوم علامه طبرسی رضوان الله تعالی علیه در مجمع البیان ذیل آیه شریفه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره می گوید: از علی علیه السلام و ابن عباس نقل شده است که مراد از آیه مردی است که بسبب امر بمعروف و نهی از منکر کشته می شود.

در قرآن کریم هم چنین از دیگر رویکردهای مومنین جهت وصال به شهادت با عنایت به رابطه الزامی ایمان و شهادت، امر به معروف و نهی از منکر می باشد :

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. توبه/ ۷۱

مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، همدیگر را به کار نیکو امر و از کار زشت باز می دارند.

۱۴-۱. پرداخت زکات

وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ . مومنون/ ۴

مردم با ایمان کسانی هستند که زکات و حقوق مالی خویش را می پردازند.

مرحوم استاد علامه طباطبایی رحمه الله می نویسد:

«معنای لغوی زکات تطهیر می باشد».

در باره وجوب زکات و نقش سازنده آن در تربیت نفوس روایات بسیاری داریم . یکی از مهم ترین آثار پرداخت زکات همان تربیت نفس است که از مصادیق این تادیب، پرهیز از صفت تباه کننده و پر خسران بخل است :
امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«من ادى الزكاة فقد وقى من الشح»

« هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است».

در باره اهمیت این روایت که اهمیت وجوب زکات را بیشتر خاطر نشان می سازد به ذکر این روایت بسنده می کنیم

که امام کاظم از امیرالمومنین علیهما السلام روایت می کنند که ایشان می فرمایند:

«... لیکن نظرکم عبراً ... و طبیعتکم السخاء؛ فإنه لا یدخل الجنة بخیل، و

لا یدخل النار سخی».

باید نگاه شما به هر چیز برای پندآموزی و عبرت گیری باشد، و طبیعت شما جود و بخشندگی باشد (بخشندگی برای شما امری طبیعی و عادی باشد)، زیرا که هیچ بخیلی به بهشت داخل نمی شود، و هیچ بخشنده دستی به آتش دوزخ در نمی آید.

۱۵-۱. دوری از ربا

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . آل عمران/۱۳۰

ای مؤمنان ربا را چند برابر نخورید و تقوای الهی داشته باشید، شاید رستگار شوید.

در قرآن کریم در هشت آیه از ربا سخن به میان آمده است که حتی مسلمانان را از این عمل شنیع شدیداً بر حذر داشته است به جز آیه شریفه ۳۹ سوره مبارکه روم با بیانی ملایمتر با جایگزین کردن زکات با ربا خواری به مخالفت پرداخته شده است .

بدیهی است که انسان برای رسیدن به بالاترین نیکی و سعادت که همانا شهادت است باید از رذل ترین اعمال پرهیز و اجتناب کند چرا که گفتیم از اصلی ترین ملزومات وصال به شهادت ایمان است و قرآن کریم از جمله بدیهی ترین صفات عملی مومنان را همانا پرهیز از ربا می داند. در باره عقوبت و قبح ربا به بیان یک روایت از امام صادق علیه الصلاة والسلام بسنده می کنیم که می فرمایند:

«دِرْهَمٌ رِبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَّةً بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ قَالَ: الرِّبَا سَبْعُونَ

جزءاً أيسره ان ينكح الرجل امه في بيت الله الحرام».

یک درهم ربا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا و فرمود ربا هفتاد جزء دارد که آسانترینش اینست که مرد با مادرش در بیت الله الحرام ازدواج کند.

۱۶-۱. امانت داری

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ. مومنون/۸

مردم با ایمان کسانی هستند که رعایت‌گر امانت‌های مردم و عهد و پیمانهای خود با دیگران‌اند. در قرآن کریم صفت عملی و سخت‌دیگری که برای مومنان عنوان شده است رعایت امانت است چرا که امانت دایره وسیع و گسترده‌ای دارد و رعایت این همه کاری بس دشوار می‌باشد. نعمتهای مختلف خدا هر یک امانتی از امانات او هستند، آیین حق، کتب آسمانی، دستورالعمل‌های پیشوایان راه حق و همچنین اموال و فرزندان و پست‌ها و مقامها، همه امانتهای اویند که مؤمنان در حفظ و ادای حق آنها می‌کوشند. از این رو فرد مومن می‌بایست جهت وصال به شهادت خود را متصف به رعایت دایره وسیع معنایی امانت گرداند همچون مومنان که به ویژگی امانت و امانت‌داری آراسته‌اند و هرگز دست و دل و دیده به خیانت باز نمی‌کنند و هم در زندگی خویش از عهد شکنی به‌دوراند و به پیمان‌های خود وفا می‌کنند. با توجه به مطالب مذکور روشن می‌شود، مؤمن کسی است که اعتقاد قلبی به دستورات خداوند داشته باشد و به آن‌ها عمل کند. در این صورت است که محبوب خداوند تعالی و لایق وصال شهادت و زندگی نیک و پر سعادتی ابدی می‌گردد.

۲. شناخت راه خدا

و الذین قتلوا فی سبیل الله فلن یرضوا اعمالهم سیهدهم و یرضوا بالهم و یدخلهم الجنة عرفها لهم. محمد/۴-۶

کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را ضایع نگرداند و آنان را به سعادت هدایت کند و امورشان را اصلاح نماید و به بهشتی که قبلاً مقامات آن را به آنها شناسانده است، واردشان می‌سازد.

از شروط اصلی شهادت در قرآن کریم کشته شدن در راه خدا است که از آن تحت عنوان قتل فی سبیل الله یاد می‌کند. بنا براین شناخت راه خدا از متعلقات الزامی وصال به شهادت است و مراد از آن، راه منتهی به پاداش و رضای حق تعالی است. محمد ح سن نجفی رحمه الله علیه در جواهر الکلام در تعریف و تبیین شناخت راه خدا تعبیر جامعی دارند که ذکر آن در این مقام جهت تبیین هر چه بهتر آن خالی از لطف نیست. ایشان می‌فرمایند:

سبیل الله عبارت است از هر عمل نیکی که موجب تقرب به خداوند است، به شرط آنکه علاوه بر برخورداری از ثواب و تقرب به خداوند، مصلحتی بر آن مترتب باشد؛ خواه آن مصلحت در ارتباط با مسلمانان باشد، مانند ساختن پل، بیمارستان، مدرسه و مسجد و یا در ارتباط با اسلام و مجد و عظمت آن، همچون جهاد و یا تعظیم شعائر الهی، از قبیل تشکیل مجالس وعظ و بیان فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام و فرستادن افراد به حج.

۳. هجرت در راه خدا

قرآن کریم در ۲۴ مورد با تعبیر مختلفی مانند: «مهاجرأ»، «مَنْ یُهَاجِرُ»، «من هاجر»، «الذین هاجروا» و... از مسئله هجرت سخن به میان آورده است.

همانطور که پیشتر اشاره کردیم اصلی‌ترین مولفه برای انسان مومن قتل فی سبیل الله ایمان است و یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های حفظ ایمان هجرت است که به مواردی از هجرت

اشاره کردیم . در قرآن کریم هجرت برای حفظ ایمان در ماجرای هجرت اصحاب کهف این چنین بیان شده است :

« وَ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ » کهف/۱۳ و ۱۴

«ما داستان آنها را به حق برای تو بازگو می کنیم، آنها جوانانی بودند که به پروردگار شان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم و دل‌های آنها را محکم ساختیم، در آن هنگام که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است.»

آیات شریفه ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه کهف دلیل هجرت اصحاب کهف را حفظ ایمان و توحید و انگیزه الهی جوانان مهاجر کهف بیان می کند.

... فَأَلَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ...
آل عمران/۱۹۵

... پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را ببوشانم ...
بر پایه این آیه مؤمنان و مجاهدان همگی به رحمت الهی امید دارند البته مؤمنان اهل هجرت و جهاد در راه خدا، در مرتبه والا از رجای واثق و رحمت خاص برخوردارند.

۴. جهاد در راه خدا

... فَأَلَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ...
آل عمران/۱۹۵

... پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را ببوشانم ...
فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. نسا/۷۴

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَغْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ . توبه/۲۰

کسانی که ایمان آوردند مهاجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا با مالها و جانهای خود، بزرگترین درجه را نزد خداوند دارند و آنان خود رستگارانند.

در قرآن کریم واژه جهاد در حداقل هفده سوره از جمله بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نحل، حج، نمل، احزاب، شوری، محمد، فتح، حدید، حشر، ممتحنه، صف مطرح شده است و قریب ۴۰۰ آیه در رابطه با جهاد نازل شده است و در اکثر موارد پس از ذکر جهاد، ذکر قید فی سبیل الله آمده است، تا کسانی که در راه شیطان و طاغوت جنگ و مبارزه می کنند، را از این

دایره خارج کند. در آیه شریفه ۲۰ از سوره مبارکه نیز با همین قید ایمان را در جهاد فی سبیل الله از ملزومات وصال به شهادت معرفی می کند :

جهاد فی سبیل الله مصداقی ترین عمل و راهکار جهت وصال به فوز عظیم شهادت است و قریب به اتفاق شهیدان در این حال به این فوز عظیم نائل آمده‌اند. پیش‌تر گفتیم که منظور از شهادت قتل فی سبیل الله است و کشته شدن در راه شهوت، شهرت، میهن پرستی، منافع حزبی و سیاسی از دایره بحث ما خارج اند و آثار و برکات دنیوی و اخروی شهادت نیز بر آنان صادق نیست. آیات بسیاری از قرآن کریم به وجوب و اهمیت جهاد پرداخته است که به نمونه ای از آن اشاره نمودیم در اینجا لازم می دانم با روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم این فقره را به پایان برسانم که می فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ»

کسی که بمیرد در حالی که جهاد نکرده و آرزوی جهاد هم نداشته، بر شعبه ای از نفاق مرده است.

۵. تبلیغ دین خدا

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ . یس/۲۰-۲۱

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید.

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند.

در قرآن کریم از دلایل اصلی به شهادت رسیدن حبیب نجار تبلیغ دین با روش صحیح و استدلال‌های منطقی ذکر شده است. قرآن به ما می‌آموزد که با سرلوحه قرار دادن مشی این شهید والا مقام به خصوص در آخر الزمان که طواغیت عالم کمر به نابودی اسلام و ایمان بسته‌اند، می‌توان با تبلیغ دین که در عصر حاضر اسلام ناب محمدی می باشد، همچون مومن آل یس به وصال شهادت نائل آمد چرا که ستمگران جهان برای خاموش کردن صدای حق از هیچ کوششی فروگذار نخواهند گذاشت. در منابع تفسیری و روایی، از حبیب نجار و ایمان وی تجلیل شده است. عده‌ای وی را در زمره کسانی چون ورقه بن نوفل، بحیرا و قیس بن ساعده شمرده‌اند که پیش از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به او ایمان داشته‌اند، براساس حدیثی نبوی، حبیب نجار که از او با لقب مؤمن آل یس یاد شده است به همراه حزقیل ملقب به مؤمن آل فرعون و حضرت علی علیه السلام کسانی‌اند که حتی لحظه‌ای به خدا کافر نشدند. در احادیث دیگری از پیامبر اکرم، حبیب نجار از صدیقان، مقربان الهی و اهل بهشت و یکی از مصادیق «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» معرفی شده است

۶. وفای به عهد

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. احزاب/۲۳

برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزاردند (و بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند مانند عبیده و حمزه و جعفر) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند (مانند علی علیه السلام که در کوفه به محراب عبادت شهید گشت).

شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه می‌فرماید: چنین روایت شده که این آیه درباره حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی‌طالب و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام نازل شده و منظور از این قسمت آیه «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» حمزه و جعفر است و مقصود از «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» در آیه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام می‌باشد. در تفسیر برهان از محمد بن العباس بعد از شش واسطه از جابر و او از امامین باقر و صادق علیهم‌السلام و نیز از محمد بن الحنفیه روایت کند که فرمودند: امیر المومنین علیه‌السلام فرمود: من و برادرم جعفر و عموی من حمزه و پسرعموی من عبیده حارث با خداوند معاهده بستیم و به آن وفا نمودیم و آنان بر من در شهادت تقدم جستند و من به آن‌ها بعد ملحق خواهم شد و منتظر در این آیه من می‌باشم.»

۷. دل بردن از دنیا راه رسیدن به شهادت

جهاد در راه خدا مخصوص برخی از مؤمنانی است که دنیا را به آخرت فروخته و از دنیا دل بریده و برای خدا از همه چیز دست کشیده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید:

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا . نساء/ ۷۴

پس مجاهد فی سبیل الله تمام هدف و مقصد خود را خدا و سیر و سلوک به سوی او قرار می‌دهد و در جبهه‌ها فقط او را می‌بیند و غیر خدا به هیچ چیزی توجهی ندارد. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین تأکید آیه شریفه، این است که مجاهدان در صورتی که حقیقتاً فی سبیل الله به میدان جنگ بروند، چه فاتح جنگ باشند و چه کشته شوند، در هر دو صورت پیروزند.

۸. عدالت خواهی راه رسیدن به شهادت

قرآن کریم در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره آل عمران، از گروهی یاد می‌کند که به خاطر عدالت خواهی، به وسیله کافران بنی اسرائیل به شهادت رسیدند:

وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ .

دادگستران را به قتل می‌رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده.

از ابی عبیده جراح روایت شده که به پیامبر گفتم کدام مردم در قیامت عذابشان از همه سخت‌تر است؟ حضرت در پاسخ فرمود: مردمی که پیامبران یا آمران به معروف و ناهیان از منکر را کشتند و بعد این آیه را خوانند: و يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بَغْيٍ حَقٌّ .. و سپس ادامه داد: ای اباعبیده بنی اسرائیل ۴۳ پیامبر را در ساعت اول روز کشتند. ۱۱۲ مرد از عابدان بنی اسرائیل به خاطر امر به معروف و نهی از منکر و اعتراض بر قاتلان انبیا قیام کردند که همه آنها را نیز در آخر همان روز به شهادت رساندند

نتیجه گیری:

تلاش برای تحقق دین آسمانی و دفاع از اصول ناب آن، بخشی از روند زندگانی یک مسلمان مقید است که در این راه کوشش جسمی، هجرت، جهاد و در نهایت بذل جان می کند. بذل جان در راه آرمانهای دینی در فرهنگ اسلامی، شهادت نام گرفت. اما باید توجه داشت که شهادت، تنها کشته شدن و از بین رفتن جسم یک انسان دیندار نیست بلکه یک روند هدفدار و عقلانی است که در ورای آن مبانی تربیتی عمیقی نهفته است.

موضوع شهادت آنقدر در قرآن اهمیت دارد که جدای از مبحث جهاد، مستقل، آیاتی به آن اختصاص یافته است و موضوعاتی همچون جایگاه شهید، فلسفه شهادت، شهادت طلبی، زمینه استقبال از شهادت و... در این آیات به چشم می خورد که در جمله این آیات مبانی تربیتی وجود دارد.

در فرهنگ اسلامی، شهادت یک حادثه خونین و ناگوار نیست. شهادت بر اساس آموزه های قرآنی یک مسئله فکری، علمی و فلسفی می باشد. الگوسازی از شخصیت شهید، تمجید خداوند از مقام شهید، توجه به مفهوم شهادت به معنای کشته شدن در راه اعتلای مبانی دینی و به خاطر رضای حق و اینکه شهید معیار تشخیص حق و باطل شود و شهادت به مثابه یک معامله پرسود برای انسان، همگی از مبانی تربیتی موضوع شهادت در قرآن می باشند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابنشعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن ۴)، تحفالعقول عن آل الرسول (ص)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (م. ۲۷۵ق)، سنن ابیداود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۵. أحمد بن محمد بن علی الفیومی ثم الحموی، أبو العباس (المتوفی: نحو ۷۷۰هـ)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت، المکتبۃ العلمیة ۲۰۱۰م.
۶. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة، ۱۹۸۹م.
۷. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (م. ۲۵۶ق)، صحیحالبخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۹. برقی، احمد بن محمد (م. ۲۷۴ق)، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.
۱۰. بستانی، فواد افرم، فرهنگ جدید عربی - فارسی، تهران، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۱. حویزی، عبد علی بن جمعه (م. ۱۱۲ق)، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلانی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رضوانی، علی اکبر، فلسفه شهادت، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۲ش.
۱۵. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران، دارالاسوه، ۱۳۷۴ش.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۱۹. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ: دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعه، قم، ۱۳۹۹ه.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق)، المعجمالاوسط، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.

- ۲۳ . طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- ۲۴ . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۵ . طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۶ . طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۷ . طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- ۲۸ . فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ق.)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۹ . فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ۱۳۶۷ ش، انتشارات مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- ۳۰ . قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- ۳۱ . قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- ۳۲ . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، مرکز بحوث دارالحدیث، قسم احیاء التراث، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- ۳۳ . متقی هندی، علی (م. ۹۷۵ق.)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- ۳۴ . مجلسی، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(علیهمالسلام)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۳۵ . مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. ۲۶۱ق.)، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۶ . مکارم شیرازی، ناصر، فلسفه شهادت، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم ۱۳۸۴ ش.
- ۳۷ . نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.